

## تحلیل سیاسی هفته (۳۳) رزمایش ولایت ۱۳۹۰

نام دفتر: مطالعات سیاسی  
شماره مسلسل: ۲۶۰۱۲۱۷۸  
تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۱۰/۲۱

رزمایش بزرگ ولایت ۹۰ در طول ده روز در شرایطی با موفقیت انجام گرفت که از یکسو، جمهوری اسلامی ایران از سه جهت در معرض شدیدترین تهدیدها و فشارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک از جانب غرب به رهبری آمریکا قرار دارد:

۱. آمریکا با بسیج متحدان غربی خود تمامی تلاش خود را به کار بسته است تا تحریم‌های مالی، اقتصادی و تجاری را علیه ایران تحمیل نماید و ایران را از ایفای نقش سازنده در تحولات منطقه‌ای و به‌طور خاص بیداری اسلامی باز دارد و با تداوم حضور خود در منطقه خلیج فارس و حتی گسترش فعالیت‌های نظامی خود از طریق افزایش شمار نیروها و پایگاه‌های نظامی در نواحی پیرامونی ایران و ترویج ایران‌هراسی در میان کشورهای عرب منطقه، بیش از پیش ایران را در تنگنای امنیتی و نظامی قرار دهد.
۲. آمریکا به دنبال اعمال نفوذ در ایران و مداخله در امور داخلی ایران بوده است: تلاش برای رخنه کردن در دستگاه اطلاعاتی کشور، اعزام پیشرفته‌ترین هواپیمای بدون سرنشین به داخل خاک ایران جهت انجام عملیات شناسایی و جاسوسی با نقض حریم هوایی برخلاف اصول و هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی، حمایت از تروریسم و خرابکاری در ایران و حمایت از اصحاب فتنه و متهم کردن ایران به نقض حقوق بشر و موازین دمکراتیک و تلاش برای جلب حمایت سایر کشورها جهت رأی دادن به قطعنامه‌های ضدایرانی در زمینه حقوق بشر از جمله نمونه‌های بارز این رویه آمریکاست.
۳. آمریکا پیوسته فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را زیر سؤال برده است: در این راستا با اعمال فشار در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل متحد و با ادعاهای واهی و ارائه اطلاعات خلاف واقع به نحوی بسیار آشکارا در تنظیم گزارش‌های آژانس مداخله کرده است.

اما از سوی دیگر، محیط منطقه‌ای و بین‌المللی نیز در طی یکسال اخیر بسیار پراشتاب و ناپایدار بوده است:

- بیداری اسلامی به نفع گفتمان انقلاب اسلامی و به زیان آمریکا و رژیم صهیونیستی، روند تکاملی خود را طی می‌کند و حتی منطقه استراتژیک خلیج فارس را نیز درنور دیده است.
- رکود اقتصادی در غرب نیز سیر خود فزاینده و خود تداوم‌بخشی به‌خود گرفته است و مدیریت بهینه این بحران از سوی غرب در گرو جریان بدون مشکل انرژی و به‌طور خاص نفت است که نیض آن همانا تنگه هرمز در خلیج فارس است.

اما آنچه بیش از همه اهمیت دارد واکاوی ابعاد و پیامدهای رزمایش ولایت ۹۰ می‌باشد چراکه می‌تواند سهم قابل ملاحظه‌ای در فهم روندهای منطقه‌ای و بین‌المللی که چه‌بسا در آینده شکل خواهند گرفت داشته باشد.

### الف) ابعاد عملیاتی رزمایش

این پویش‌های فوق بستری را فراهم آورده است که باعث گردیده است ناظران بین‌المللی و منطقه‌ای رزمایش ولایت ۹۰ را از چند جهت ذیل حائز اهمیت ویژه بدانند:

۱. **منطقه عملیاتی رزمایش:** رزمایش در تنگه هرمز که اهمیت استراتژیکی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دارد به اجرا درآمد، تنگه‌ای که ورودی نفت‌های صادراتی به کشورهای مصرف‌کننده به‌ویژه کشورهای صنعتی به‌شمار می‌آید. این تنگه محل انتقال بیش از ۱۷ میلیون بشکه نفت در روز به بازار جهانی است. از نظر ژئوپلیتیکی نیز تنگه هرمز اهمیت بسزایی دارد. زیرا این تنگه از جمله آبراه‌های بین‌المللی مهمی است که دو دریای آزاد (خلیج فارس و دریای عمان) را به هم متصل می‌کند؛ دو دریایی که در حاشیه آنها کشورهای عربی و ایران قرار دارند. در نتیجه تنگه هرمز از نظر حقوقی در ردیف تنگه‌های بین‌المللی است. روزانه ۲۰ تا ۳۰ نفتکش از تنگه هرمز می‌گذرند. به‌عبارت بهتر، بیش از ۴۰ درصد نفت جهان از این تنگه عبور می‌کند.

نیروهای نظامی ایران، از جانب شمال، از طریق پایگاه نیروی دریایی در بندرعباس، از ناحیه جنوب غربی از طریق جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک، بر این تنگه اشرف دارند و به نوعی حرکت کشتی‌ها کاملاً زیر نظر آنان است. در این چارچوب می‌توان گفت که نیروی دریایی ایران به راحتی در این منطقه مستقر می‌شود.

۲. **گستره عملیاتی رزمایش:** گستره عملیاتی رزمایش شامل تنگه هرمز، شرق تنگه هرمز، دریای عمان، آب‌های آزاد شمال اقیانوس هند تا مدار ۲۰ درجه شمالی در بعد اجرای عملیات و آب‌های اقیانوس هند تا مدار ۱۰ درجه شمالی و خلیج عدن در بعد اطلاعاتی بود. با این اوصاف، وسعت عملیات دو میلیون مترمکعب و عملیات از بندر چابهار دو هزار کیلومتر بوده است. این گستره عملیاتی چشمگیر نشان می‌دهد که ایران برای اولین بار در چنین وسعتی رزمایش دریایی برگزار کرده است و چنین برنامه‌ریزی شده است که هر ساله منطقه رزمایش گسترش یابد.

۳. **طول مدت رزمایش:** مدت انجام رزمایش ۱۰ روز بود، رزمایش از سوم آغاز شد و تا سیزدهم دی‌ماه ادامه داشت. این رزمایش دارای مراحل مختلف زمانی از جمله آمادگی، گسترش یگان‌ها برای انجام عملیات، مرحله تاکتیکی بین نیروهای دشمن و خودی به صورت کاملاً واقعی و مرحله نمایش قدرت و مانور دریایی بود. این بازه زمانی نسبتاً طولانی عملیات نظامی تمرینی از آمادگی بالای آفندی و پدافندی نیروهای نظامی ایران حکایت دارد.

۴. **ادوات و تجهیزات به کار رفته در رزمایش:** در این رزمایش توان زیردریایی‌ها، ناوشکن‌ها، ناوهای موشک‌انداز، ناوهای پشتیبانی‌کننده، ناوهای اطلاعاتی، توان بالگردی، توان استفاده از پشتیبانی هوایی، استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین، موشک‌های ساحل به دریا و توان عملیات ویژه مورد آزمایش قرار گرفت. نوآوری‌های جدیدی در سطح تجهیزات و سلاح‌ها و به‌ویژه در مورد تاکتیک‌های ابتکاری کارکنان نیروی دریایی در زیر سطح دریا در این رزمایش در بوته آزمون قرار گرفت.

۵. **کمیت و کیفیت نیروی انسانی شرکت‌کننده در رزمایش:** در زمان اجرای عملیات، نه تنها نیروهای ارتش، بلکه تمام یگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز که در سواحل جنوب شرق کشور قرار دارند قسمتی از توانایی‌های خود را تحت کنترل رزمایش قرار دادند.

## ب) پیامدها

تمامی تحلیل‌ها در مورد پیامدهای این رزمایش، بر پایه نوعی ادراک در مورد احتمال روی آوردن ایران به بستن تنگه هرمز در صورت تحریم تمام‌عیار نفت ایران و یا رویارویی نظامی ایران و آمریکا استوار است. در این میان تحلیلگران در مواجهه با این موضوع به دو دسته تقسیم می‌شوند:

**الف) آنهایی که معتقدند بسته شدن تنگه هرمز چاره‌پذیر و در نهایت به زیان ایران و به سود غرب است:** این تحلیلگران بر توان اندک ایران در بسته نگاه داشتن تنگه به مدت طولانی، بسته نشدن عملی تنگه در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و حتی جنگ نفتکش‌ها، توانایی غرب در کنترل شوک نفتی حاصل از این اقدام ایران از طریق توسعه راه‌های جایگزین برای صادرات نفت از خلیج فارس، تلاش کشورهای واردکننده نفت برای افزایش ذخایر راهبردی خود؛ افزایش تولید نفت در دیگر بخش‌های جهان و افزایش حجم خط لوله‌های موجود تأکید می‌نهند، البته چنین استدلال می‌شود که ایران هم در صورت بستن تنگه هرمز با مختل شدن روند صادرات و واردات دریایی خود ایران از جمله واردات بنزین و حتی صدور نفت خام روبرو خواهد شد.

این تحلیل از چند جهت آشکارا نارساست: نخست آنکه، توان بازدارندگی ایران به‌ویژه در جنگ نامتقارن با غرب را نادیده می‌گیرد، دوم آنکه انطباق‌پذیری غرب با شرایط تحول یافته ناشی از شوک نفتی احتمالی را بیش از حد ارزیابی می‌کند و سوم آنکه تحلیل خود را عملاً در خالاً ارائه می‌دهد چراکه به بستر بین‌المللی موجود، بیداری اسلامی و بحران اقتصادی که در واقع نوعی مزیت را برای ایران در قبال غرب ایجاد کرده است نادیده می‌گیرد.

**ب) آنهایی که معتقدند بسته شدن تنگه هرمز چاره‌ناپذیر و در نهایت به زیان غرب و به سود ایران است:** قائلان به این تحلیل، استدلال‌های ذیل را مطرح می‌کنند:

۱. **نمایش و افزایش اقتدار نظامی ایران:** نخستین پیامد این رزمایش این بوده است که ایران «با آزمایش سلاح‌ها و تجهیزات جدید اضافه شده به نیروی دریایی، استفاده از ابتکارات، خلاقیت‌ها و تاکتیک‌های جدید، نشان دادن قدرت تغییر تاکتیک در انجام عملیات‌های مختلف و انتقال تجربیات کارکنان قدیمی نیروی دریایی به کارکنان جوان این نیرو، نشان دادن توان جمهوری اسلامی ایران در کنترل منطقه و تأمین امنیت کشتیرانی در عرصه آب‌های آزاد، آزمایش انواع سامانه‌های موشکی و اژدر و نشان دادن توان نیروی دریایی در برقراری امنیت و آرامش در منطقه در طول اجرای رزمایش»، عزم و اراده و اقتدار نیروهای مسلح و نیز توان دفاع و قدرت بازدارندگی ارتش جمهوری اسلامی ایران در آب‌های آزاد را در معرض دید جهانیان قرار داد. علاوه بر این ایران با انجام این قبیل رزمایش‌ها قدرت عملیاتی نیروهای مسلح خود را بالا می‌برد و در این رابطه، با عنایت به ابعاد رزمایش ولایت ۹۰،

ایران توان رزم دریایی خود را به بالاترین سطح خود رسانده است. راشاتودی نیز در استعاره‌ای جالب نوشت: «ایران عضلات خود را در کانال کلیدی نفت جهان ورزیده می‌کند».

۲. افزایش احتمال اقدام ایران در بستن تنگه هرمز: با عنایت به اینکه در زمان جنگ تحمیلی عراق با ایران، مقامات ایرانی بارها تهدید کردند که این تنگه را به روی حمل‌ونقل‌های بین‌المللی می‌بندند، این رزمایش بار دیگر احتمال روی آوردن ایران به این اقدام در صورت درگیری نظامی ایران با غرب را در گمانه‌ها زنده کرد. زیرا از یکسو قدرت نظامی و ابتکار عمل ایران در برهه کنونی به مراتب بیشتر از دوران جنگ تحمیلی است و ازسوی دیگر با توجه به اینکه ایران در ساحل شرقی خلیج فارس ۷۰۰ پایگاه نظامی از جمله بندر، لنگرگاه‌ها، جزایر و... در اختیار دارد این تنگه اهرم مناسبی در دست ایران است که می‌تواند در مانورهای سیاسی، نفتی و استراتژیکی به‌کار آید. ایران در صورت بروز جنگ می‌تواند با استقرار موشک در این مناطق یا تجهیز قایق‌های تندرو به مواد انفجاری و همچنین مین‌گذاری در آبراه‌ها، خواسته خود را عملی سازد.

۳. تأثیر فوری اقدام ایران در بستن تنگه هرمز بر بازار جهانی نفت: چنین استدلال می‌شود که موفقیت ایران در بستن تنگه هرمز شریان نفت از خلیج فارس به جهان را دچار اختلال خواهد کرد که صادرات نفت ایران هم در این‌صورت متوقف خواهد شد. یک‌سوم کل نفت تولیدی جهان از تنگه هرمز می‌گذرد. از این‌رو بستن تنگه می‌تواند اقتصاد جهان را خفه کند. در چنین وضعیتی، اولاً نقش روسیه به‌عنوان یک صادرکننده نفت و گاز برجسته‌تر و مهم‌تر خواهد شد و روسیه از یکسو جایگاه خود را در چانه‌زنی با غرب بهبود خواهد بخشید و ازسوی دیگر، چه بسا اوپک را نیز تحت شعاع سیاست‌های خود قرار خواهد داد و ثانیاً کشورهای عرب صادرکننده نفت در منطقه خلیج فارس، به‌عنوان متحدان کلیدی غرب نیز از صدور سهم قابل ملاحظه‌ای از نفت خود باز خواهند ماند تمام خواهد شد.

۴. تجلی معیار عملی واکنش‌های لفظی ایران به تهدیدهای غرب: به‌نظر می‌رسد که انجام رزمایش ولایت ۹۰ معیار عملی واکنش‌های لفظی مقامات ایرانی به تهدیدهای غرب به تحریم نفتی ایران در صورت تداوم خودداری ایران از تعلیق غنی‌سازی به‌شمار می‌آید. محمدرضا رحیمی، معاون اول رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، نیز در این زمینه اظهار داشت: اگر بنا باشد نفت ایران را تحریم کنند، یک قطره نفت از تنگه هرمز، عبور نخواهد کرد.

۵. عدم کفایت مسیرهای جایگزین: اگر تنگه هرمز برای انجام کشتیرانی بسته شود، راه‌های جایگزین کافی نخواهند بود. عربستان سعودی قادر خواهد بود مقداری از تولیدات خود را از طریق خط لوله ساخته شده منتقل کند و امارات متحده عربی می‌تواند بیشتر تولید خود را با استفاده از یک خط تازه تکمیل شده به خلیج عمان صادر کند، اما همه صادرات از کویت، میدین جنوبی عراق، قطر و خود ایران قادر به دسترسی به بازارها نخواهند بود. از این‌رو هرگونه اختلال در عبور نفتکش‌ها از تنگه هرمز تأثیری فوری بر افزایش قیمت‌های جهانی نفت خواهد داشت.

۶. توان ایران در پیروزی بر غرب در جنگ نامتقارن: ایران می‌تواند از جنگ‌های نامتقارن نیز برای حمله به کشتی‌هایی که از این تنگه رد می‌شوند استفاده کند و ضربه‌ای کاری بر جریان نفت وارد سازد چراکه ایران می‌تواند مدتی طولانی و مستمر به کشتی‌هایی که از تنگه هرمز می‌گذرند حمله کند.

در مجموع، فارغ از استدلال‌های ۶ گانه این تحلیل دوم که منطقی‌تر به‌نظر می‌رسد، ما می‌توانیم وضعیت موجود را نیز ملاک تحلیل قرار دهیم. با عنایت به اینکه صرف انجام یک رزمایش نظامی نفت را تا این اندازه تحت تأثیر قرار می‌دهد، واضح است که تنها قریب‌الوقوع بودن، بسته شدن تنگه نیز بازار نفت را پرآشوب خواهد ساخت و غرب را در تنگنا قرار خواهد داد، چه رسد به اینکه این سناریو به واقعیت بپیوندد.